

ارجاع پرونده به شورای امنیت، مذاکره جمهوری اسلامی با آمریکا

فصلی تازه در پرونده ای کهنه!

ارجاع پرونده اتمی جمهوری اسلامی به شورای امنیت، کشور ما را در موقعیت جدیدی قرار داده است. از این پس به توصیه های تا کنونی آژانس بین المللی اکتفا نخواهد شد، در صورت ادامه سیاست های جمهوری اسلامی و عدم توجه به درخواست های آژانس بین المللی، اقدامات دیگری علیه کشور ما صورت خواهد گرفت. طی هفته های گذشته کشورهای عضو شورای امنیت سازمان ملل مشغول مذاکره بر سر زمان بندی، چگونگی و ابعاد تهدیدی بودند که باید همراه با توصیه های جدید به جمهوری اسلامی بدهند. دولت های آمریکا، انگلیس و فرانسه از یک سو، و روسیه و چین از سوی دیگر هر چند با هم اختلافاتی در زمان و چگونگی تهدید و تحریم جمهوری اسلامی دارند، اما در اصل موضوع و در این که برنامه اتمی جمهوری اسلامی به هر طریقی باید متوقف شود، اتفاق نظر دارند.

با ارجاع پرونده اتمی جمهوری اسلامی به شورای امنیت فصل جدیدی در این پرونده باز شده است. فصلی که بازیگر اصلی آن دولت آمریکا خواهد بود. دولت بوش بالاخره بعد از سال ها موفق شده است که نه فقط اروپا، بلکه دیگر کشورهای جهان را نسبت به «خطر» برنامه های اتمی جمهوری اسلامی با خود همراه کند. از همان فردای اعلام این تصمیم لحن نمایندگان دولت آمریکا تهدید آمیزتر شده و استفاده از همه ابزارها برای متوقف کردن برنامه های اتمی جمهوری اسلامی مجاز دانسته شده است.

ارجاع پرونده اتمی از وین به نیویورک فقط یک انتقال مکانی نیست، اتخاذ تصمیم در مورد این پرونده نیز در اساس به آمریکا منتقل شده است. هر تصمیمی درباره سرنوشت این پرونده مستقیماً به کارگردانی آمریکا صورت خواهد گرفت. ورقی که در طرح پیشنهادی مسکو به زمین زده شد، روسیه را هم به غرب نزدیک کرده است. راه حل روسیه، بیش از آن که پیشنهاد جدیدی برای جمهوری اسلامی باشد، وسیله ای برای پایان دادن به تزلزل روسیه در حمایت از سیاست کشورهای غربی بود. عمر مذاکرات با مسکو هم چون عمر پیشنهاد روسیه چندان دراز نبود. امتناع از پذیرش تعلیق غنی سازی و تبدیل آن به یک موضوع مناقشه، در مورد روسیه هم بالاخره کار خود را کرد. در شورای امنیت سازمان ملل، بحث فقط بر

سر توصیه نیست، در آنجا در رابطه با فشار و برخورد با جمهوری اسلامی تصمیم گیری خواهد شد.

از طرف دیگر همزمان با ارجاع پرونده اتمی به شورای امنیت، جمهوری اسلامی اعلام کرده است که مذاکره با آمریکا را در مورد عراق پذیرفته است. جدا از این که سران رژیم با چه توجیهاتی پذیرش مذاکره با «شیطان بزرگ» را توضیح می دهند، همزمانی این پذیرش با ارجاع پرونده اتمی به شورای امنیت بیان این واقعیت است که تصمیم گیرندگان اصلی در جمهوری اسلامی، مذاکره با آمریکا را راه حلی برای مشکل پرونده اتمی خود می دانند. هر چند هم دولت آمریکا و هم دولت جمهوری اسلامی تاکید دارند که مذاکرات فقط به عراق محدود است، ولی حداقل در مورد جمهوری اسلامی، هدف فقط «ابلاغ نظرات» به سفیر آمریکا در عراق نمی تواند باشد. درخواست عبدالعزیز حکیم از جمهوری اسلامی برای مذاکره، بیشتر یک صحنه سازی است تا پذیرش مذاکره با نماینده آمریکا در عراق به عنوان یک چرخش در درون جمهوری اسلامی کمتربحران زا شود. محرک اصلی برای مذاکره قبل از همه امید به گشودن باب صحبت با طرف اصلی در پرونده اتمی یعنی، دولت آمریکا است.

نتایج «مذاکرات بر سر عراق» هر چه باشد در این واقعیت تغییری نخواهد داد که تنها راه جلوگیری از شتاب حوادث در مورد پرونده اتمی جمهوری اسلامی، توقف کامل غنی سازی و اعلام تعلیق تمامی اقدامات در این زمینه و فراهم کردن امکان بازرسی کامل آژانس بین المللی از تاسیسات اتمی کشور است. موقعیتی که جمهوری اسلامی در «مذاکرات بر سر عراق» دارد، مثل موقعیت یک متهم به مداخله در امور کشور دیگر است. اظهارات سفیر آمریکا در مورد دخالت جمهوری اسلامی در عراق از طریق کمک به هر دو طرف درگیر از یک طرف شبه نظامیان شیعه و از طرف دیگر شورشیان سنی، فضای حاکم بر این مذاکرات را پیشاپیش روشن ساخت. نتایج این مذاکرات، بدون پذیرش تمامی درخواست های دولت آمریکا در عرصه های مختلف یعنی قطع کمک به دارو دسته های افراطی در فلسطین، لبنان و عراق و پذیرش تعلیق غنی سازی، تغییر چندانی در موقعیت کنونی جمهوری اسلامی نخواهد داد.

مساله اصلی پرونده اتمی جمهوری اسلامی اصولاً نه خود این پروژه، بلکه قبل از همه خود جمهوری اسلامی است. درست است که پنهانکاری ها و عدم شفافیت دولت جمهوری اسلامی عامل مهمی در تبدیل این پرونده به یک مساله بین المللی بوده است، اما نقش تعیین کننده در بی اعتمادی گسترده علیه جمهوری اسلامی را عملکرد خود جمهوری اسلامی و سیاست های ستیزه جویانه آن در عرصه بین المللی داشته است.

جمهوری اسلامی در سیاست خاورمیانه ای دولت آمریکا به عنوان تکیه گاه جریانات افراطی مذهبی در منطقه و عامل بی ثباتی تلقی می شود. رسماً هم یکی از سه «محور شری» است که بعد از ۱۱ سپتامبر "بازهای" دولت بوش مبارزه با آن ها را وظیفه خود اعلام نمودند. اکنون سال هاست که یکی از این سه محور، رژیم صدام حسین با توپ و تانک از سر راه برداشته شده است. کره شمالی با کش و قوس بیشتری هنوز از تیر رس دور است. اما جمهوری اسلامی دم توپخانه مستقر در عراق و امارات و عربستان و افغانستان قرار دارد. این حکومت علاوه بر آن که مشکل پرونده اتمی را دارد، رئیس جمهور آن مدعی محو اسرائیل از روی نقشه منطقه نیز هست. این امر کمک شایانی برای منزوی کردن کامل جمهوری اسلامی توسط آمریکا و عامل اصلی در تغییر سیاست اروپا در قبال پروژه هسته ای جمهوری اسلامی بود.

مسئولان و تصمیم گیران اصلی جمهوری اسلامی منافع خود را در آن می بینند که با تشدید بحران در خارج موقعیت خود در داخل را مستحکم تر نموده، بحران در خارج را به وسیله ای برای سرکوب و خفقان بیشتر در جامعه تبدیل کنند و تا آن جا که امکان دارد، به این قبیل کشمکش ها ادامه دهند. توسل به بحران در خارج و استفاده ابزاری از این قبیل بحران ها در مقاطع مختلف لطامات جبران ناپذیری به کشور ما زده است. گروگان گیری در سفارت آمریکا علاوه بر منزوی نمودن کشور در عرصه جهانی، یکی از پیش درآمد های حمله عراق به کشورمان بود.

بقیه در صفحه ۳

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران